

سه شنبه
۱۵
۲
۱۴۰۵آیا مرزهای خاکی کشور می تواند
بار تجاری هرمز را به دوش بکشد؟

۲

علی قنبری:

آیا مرزهای خاکی کشور می تواند بار تجاری هرمز را به دوش بکشد؟

۲

گزارش

درفتن فنز قیمت دلار چه بلایی بر سر زندگی مردم می آورد؟

روزگار سیاه پول ملی و سفره‌های خالی



اعداد و ارقام روی تابلوی صرافی‌ها، در خلاء زندگی نمی‌کنند. دلار ۱۹۰ هزار تومانی، پوند ۲۵۸ هزار تومانی، و یورو ۲۲۳ هزار تومانی، مستقیماً به معنای گران‌تر شدن نان، دارو، مسکن و تمام اقلام اساسی است که زندگی روزمره مردم به آنها وابسته است. این بلایی خانمان‌سوز است که بیش از همه، طبقه کارگر و حقوق‌بگیر را در مانده کرده است.

گزارش

چرا از جنگ ۱۲ روزه عملاً عکس و فیلمی باقی نماند؟

مدیریت اخبار در برابر صدای مردم



در جنگ ۱۲ روزه، تقریباً تمام دسترسی‌ها برای عکاسان، فیلمبرداران، مستندسازان و... محدود شده بود. محمداحسان مفیدی کیا، مستندساز ضمن اشاره به این نکته می‌گوید: «درواقع سیستم مدیریت بحران در بالادست تصمیم به حداقلی کردن دسترسی‌ها گرفت چراکه رویکرد، مدیریت اخبار بود.» رویکردی که شواهد نشان می‌دهد در جنگ ۳۹ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، دست کم در قبال عکاسان و فیلمبرداران و مستندسازان متفاوت بوده است.

گزارش

ضربه شدید جنگ به ۱۳۰ هزار شغل؛

موج خطرناک اخراج کارگران در راه!



محبوب با تأکید بر تداوم مطالبات صنفی کارگران، وضعیت معیشت و امنیت شغلی را بحرانی توصیف کرد و نسبت به موج جدید اخراج‌ها هشدار داد. او گفت افزایش حقوق‌ها و تصمیمات حمایتی فعلی همچنان از تورم عقب‌تر است و نیاز به بازنگری جدی در سیاست‌های مزدی و کارگری وجود دارد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر، با اشاره به روند تعیین دستمزد کارگران گفت: هدف اصلی در مذاکرات مزدی این بود که سطح حقوق‌ها به تدریج به قدرت خرید واقعی کارگران نزدیک شود...



به دلیل تاخیر در پرداخت مطالبات در خراسان رضوی به وجود آمد:

کمبود نقدینگی در داروخانه‌ها

انتقاد میرلوحی از عملکرد صداوسیما

باید از حضور کسانی که به تفرقه دامن می‌زنند، جلوگیری شود

بخشی از کسب‌وکارهای اینترنتی
بیش از بقیه آسیب دیده‌اند و
به شدت محدودیت دارند

وی ادامه داد: متأسفانه برخی هم در خارج از کشور به این شائبه و شعار طوری دامن زدند که ملت‌تانیاهو و ترامپ این تصور را باور کردند که عده‌ای منتظرشان هستند و برایشان فرس قرمز پهن می‌کنند. اما ملت و جامعه یکجا ایستاد و نشان داد که با وجود اختلافات داخلی، اختلاف سلیقه و نگاه‌های متفاوت در ایران، در مقابل هجوم بیگانه و دشمن خارجی متحد است.

فعال سیاسی اصلاح طلب، در گفت و گویی با خبرگزاری خبرآنلاین، درباره وظایف حاکمیت به مطالبات مردم پس از جنگ بیان کرد: حاکمیت در این جنگ خیلی بر بحث «ملت» و «ایران» و «جهان ایران‌جان» تأکید کرد. طبیعتاً دشمن نقشه کشیده بود که جامعه را دچار چنددستگی کرده و بخشی از آن را به سمت خودش متمایل کند. حتی این‌طور تلقی کرده بود که انگار بخشی از جامعه منتظر او هستند و به او خوش آمد می‌گویند.

نیروهای مسلح، همه نهادهای کشور برای مقابله با آمریکا و اسرائیل اعلام آمادگی کردند. با این حال، در طی این روزهایی که کشور کمی شرایط عادی به خود گرفته است و بازارها باز شدند اما هنوز وضعیت اینترنت به شرایط قبل بازنگشته و انتقادات زیادی از سوی مردم را در پی داشته است. از همین رو، این سوال ایجاد می‌شود که مهم‌ترین اولویت و پاسخ به مطالبات مردم از سوی دولت و حاکمیت چیست؟

در همین راستا، محمود میرلوحی،

محمود میرلوحی با بیان اینکه این اتحاد را باید پاس داشت و باید مراقبت کنیم که این اتحاد و انسجام حفظ شود، گفت: همه یک‌جور فکر نمی‌کنند؛ آن‌هایی که در میدان ایستادند، آن‌هایی که به خیابان آمدند و حتی آن‌هایی که سکوت کردند. عده‌ای الان در داخل ضمن اینکه اقدامات ترامپ و نتانیاهو و جنگ را محکوم می‌کنند، سکوت کرده و این روزها اظهار نظر زیادی نمی‌کنند. احتمالات درباره وقوع جنگ همچنان مطرح است و علاوه بر

ادامه در صفحه ۲

آیا مرزهای خاکی کشور می تواند بار تجاری هرمز

رابطه دوش بکشد؟



نیازهای کشور به‌ویژه کالاهای اساسی مانند گندم، دارو و نهاده‌های دامی را تأمین کنند. اگر فرض کنیم حتی ۳۰ تا ۴۰ درصد از نیاز وارداتی از این مسیرها تأمین شود، همین میزان می‌تواند از بروز بحران‌های حاد جلوگیری کند. اما این به معنای پذیرش یک «سطح پایین‌تر از کارایی اقتصادی» است. نکته مهم دیگر، زمان است. توسعه ظرفیت مسیرهای زمینی، چه از طریق بهبود زیرساخت‌های مرزی و چه از طریق توسعه شبکه ریلی، نیازمند سرمایه‌گذاری و زمان است. در کوتاه‌مدت (۳ تا ۶ ماه)، افزایش ظرفیت ممکن است در حد ۱۰ تا ۲۰ درصد باشد. در میان‌مدت (۱ تا ۳ سال)، این عدد می‌تواند به ۳۰ تا ۵۰ درصد برسد، به شرطی که سرمایه‌گذاری‌های لازم انجام شود.»

وی افزود: «از منظر ژئوپلیتیکی، مسیرهای زمینی با عدم قطعیت‌های خاص خود مواجه‌اند. هر مرز، یک نقطه بالقوه برای ایجاد اختلال است. چه به دلیل مسائل امنیتی، چه به دلیل فشارهای سیاسی و چه به دلیل محدودیت‌های زیرساختی. مسیرهای زمینی می‌توانند بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از شکاف ناشی از اختلال در ترانزیت دریایی را پوشش دهند، آنچه در این شرایط اهمیت دارد، نه «جایگزینی کامل»، بلکه «بهینه‌سازی ترکیب مسیرها» است. اقتصاد ایران در چنین شرایطی وارد فاز «مدیریت بحران لجستیکی» می‌شود، نه «بازطراحی کامل شبکه تجارت». موفقیت در این فاز به توانایی دولت در کاهش اصطکاک‌های مرزی، تسهیل فرآیندهای گمرکی، حمایت از ناوگان حمل‌ونقل و تأمین مالی تجارت بستگی دارد. بدون این اقدامات، حتی بهترین مسیرهای جایگزین نیز نمی‌توانند از تبدیل یک بحران لجستیکی به یک بحران اقتصادی جلوگیری کنند. بنابراین از دولت انتظار می‌رود در این زمینه تا حد امکان سرمایه‌گذاری انجام دهد.»

دریایی می‌تواند درآمدهای ارزی را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد. باید به مفهوم «کارایی لجستیکی» نیز توجه کرد. حمل‌ونقل زمینی معمولاً شامل چندین مرحله است: بارگیری، عبور از مرز، تخلیه، بارگیری مجدد و گاهی تغییر وسیله حمل (از کامیون به قطار یا بالعکس). هر یک از این مراحل زمان و هزینه اضافه ایجاد می‌کند. در مقابل، حمل‌ونقل دریایی امکان جابه‌جایی مستقیم و یکپارچه را فراهم می‌کند. این تفاوت در کارایی، در مقیاس کلان به معنای کاهش سرعت گردش کالا و افزایش هزینه‌های انبارداری و سرمایه‌گردش است.»

شرایط اضطراری در شرایط بحران

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس ضمن تأکید بر لزوم توجه به زیرساخت‌های تجارت غیردریایی و اهمیت این موضوع گفت: «نیاید نقش مسیرهای زمینی را دست‌کم گرفت. این مسیرها در شرایط بحران نقش «شرایط اضطراری» را ایفا می‌کنند. در واقع این مسیرها می‌توانند از قطع کامل واردات جلوگیری کنند و حداقل

است. هزینه حمل یک کانتینر از شرق آسیا به خلیج فارس ممکن است در شرایط عادی بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار باشد، در حالی که انتقال همان بار از مسیرهای زمینی چندمرحله‌ای می‌تواند این هزینه را ۲ تا ۳ برابر افزایش دهد. این افزایش هزینه به‌صورت مستقیم به قیمت تمام‌شده کالاهای وارداتی منتقل می‌شود. اگر سهم واردات در تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید را در نظر بگیریم، این به معنای تأثیر بر اقتصاد کشور خواهد بود.»

وی افزود: «در بخش صادرات، چالش حتی عمیق‌تر است. صادرات ایران به‌ویژه در حوزه انرژی، به‌شدت به حمل‌ونقل دریایی وابسته است. اگر منطقی نگاه کنیم، صادرات نفت خام، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی به‌راحتی قابل انتقال از مسیرهای زمینی نیست. حتی اگر بخشی از صادرات غیرنفتی (مثلاً محصولات کشاورزی یا صنعتی) از طریق مرزهای زمینی ادامه یابد، حجم و ارزش آن قابل مقایسه با صادرات انرژی نیست. به همین دلیل، هرگونه اختلال در مسیرهای

یک حجم عظیم از نیاز وارداتی روبه‌رو هستیم. اگر این عدد را با ظرفیت حمل‌ونقل زمینی مقایسه کنیم، یک کامیون استاندارد به‌طور متوسط بین ۲۰ تا ۲۵ تن بار حمل می‌کند. به بیان ساده، برای جابه‌جایی ۱۰۰ میلیون تن کالا، به حدود ۴ تا ۵ میلیون سفر کامیونی در سال نیاز است؛ یعنی روزانه بیش از ۱۰ تا ۱۲ هزار کامیون فقط برای واردات. این عدد بدون احتساب صادرات است.»

وی افزود: «اگر به زیرساخت‌های مرزی کشور نگاه کنیم، مشخص می‌شود که برخی از پایانه‌های مرزی ایران ظرفیت پردازش چنین حجمی را ندارند. حتی در پرتودترین مرزها، ظرفیت عبور روزانه معمولاً در بهترین حالت به چند هزار کامیون می‌رسد. این یعنی حتی اگر همه مرزها با حداکثر ظرفیت کار کنند، باز هم شکاف قابل توجهی میان «نیاز» و «توان واقعی» وجود دارد. در حوزه ریلی نیز وضعیت مشابه است. حمل‌ونقل ریلی می‌تواند تا حدی این شکاف را کاهش دهد، اما شبکه ریلی ایران و اتصال آن به کشورهای همسایه هنوز به سطحی نرسیده که بتواند جایگزین جدی حمل‌ونقل دریایی شود. ظرفیت کل حمل بار ریلی ایران در سال‌های اخیر در حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون تن برآورد شده، که آن هم شامل حمل‌ونقل داخلی است. بنابراین حتی اگر کل ظرفیت ریلی به ترانزیت خارجی اختصاص یابد که عملاً غیرممکن است، باز هم تنها بخشی از نیاز را پوشش می‌دهد.»

هزینه انتقال بار از مسیرهای زمینی، سه برابر بیشتر از مسیر دریایی

این اقتصاددان در خصوص این که آیا با شرایط موجود راهکار جایگزینی برای تأمین ظرفیت مورد نیاز کشور وجود دارد یا خیر گفت: «مسئله فقط ظرفیت نیست؛ هزینه نیز به همان اندازه تعیین‌کننده است. حمل‌ونقل دریایی به‌طور متوسط، ارزان‌ترین روش جابه‌جایی کالا در جهان

اگر به زیرساخت‌های مرزی کشور نگاه کنیم، مشخص می‌شود که برخی از پایانه‌های مرزی ایران ظرفیت پردازش حجم بسیار بالا را ندارند. حتی در پرتودترین مرزها، ظرفیت عبور روزانه معمولاً در بهترین حالت به چند هزار کامیون می‌رسد. این یعنی حتی اگر همه مرزها با حداکثر ظرفیت کار کنند، باز هم شکاف قابل توجهی میان «نیاز» و «توان واقعی» وجود دارد.

در شرایطی که تنگه هرمز عملاً از مدار اصلی تجارت خارج شده و محاصره دریایی در اقتصاد ایران تداوم یافته، خیرهایی در خصوص فعال‌سازی مسیرهای زمینی و دیگر مسیرهای تجارت در کشور برای حفظ توان واردات و صادرات مطرح می‌شود. به گزارش فرارو، اخیراً پاکستان اعلام کرده به دنبال چند کریدور جایگزین برای تجارت با ایران است. اما این نوع اقدامات تا چه حد اثرگذار خواهد بود و آیا می‌تواند جایگزین مناسب و کاملی برای تنگه هرمز باشد؟ علی قنبری اقتصاددان دان و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در گفتگو با فرارو به این پرسش‌ها پاسخ داده و به بررسی وضعیت ترانزیت کالا پرداخته است:

علی قنبری به فرارو گفت: «مسئله اصلی این نیست که آیا مسیرهای زمینی برای جایگزینی هرمز وجود دارد یا خیر. در این زمینه، پاسخ روشن است: بله، ایران با ۷ کشور مرز زمینی دارد و ده‌ها گذرگاه رسمی و غیررسمی برای تبادل کالا فعال است. مسئله این است که آیا این مسیرها می‌توانند بار یک گلوگاه دریایی با مقیاس جهانی را به دوش بکشند یا خیر. برای درک این موضوع، باید از مقیاس شروع کنیم. برآوردهای مختلف نشان می‌دهد که حجم واردات سالانه ایران در شرایط عادی در حدود ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون تن است. حتی اگر فرض کنیم در شرایط بحران این عدد به دلیل کاهش تقاضا یا محدودیت‌های ارزی به ۷۰ تا ۸۰ میلیون تن کاهش یابد، همچنان با

انتقاد میرلوحی از عملکرد صداسیما

باید از حضور کسانی که به تفرقه دامن می‌زنند، جلوگیری شود



وی افزود: سپس بحث معیشت مردم است. الان با این اقدامات و محاصره‌ها و تحریم‌ها، به مردم و زندگیشان به‌شدت فشار آمده و می‌آید. تورم همچنان متأسفانه بالاست و همه این‌ها طبیعتاً باید مورد توجه حاکمیت قرار بگیرد. اگر می‌خواهد قدردان این همراهی باشند، مبدا مثل جنگ ۱۲ روزه غفلت شود. آن زمان هم همین اتفاق افتاد؛ ملت یکپارچه ایستاد، نتایج‌ها و ترامپ شکست خوردند، اما متأسفانه آن طور که باید عمل نشد و در دی‌ماه آن حوادث پیش آمد و باعث وسوسه دشمن شد.

میرلوحی با بیان اینکه حاکمیت باید مراقب باشد که دوباره از اتفاقات تکرار نشود؛ از حالا طوری برنامه‌ریزی کند که خواست همه، صدای همه و مطالبات همه‌آنها جایی که ممکن است دیده شود، گفت: طبیعی است که نمی‌شود به همه مطالبات پاسخ داد. اهل هنر و فرهنگ به صحنه آمدند، دانشگاهیان، کارگران، کشاورزان، روستاییان و شهری‌ها همه به صحنه آمدند. اما الان که نمی‌شود به همه مطالبات پاسخ داد، عادلانه به آن مقداری که می‌شود پاسخ بدهند.

وی هشدار داد: دوباره به سراغ مطالبات یک بخش خاص نرویم و بقیه بخش‌ها نادیده گرفته شوند و خدای نکرده زمینه مسائل و اعتراضات بعدی فراهم شود. اگر این جنگ‌لایه

میرلوحی با بیان اینکه این اتحاد را باید پاس داشت و باید مراقبت کنیم که این اتحاد و انسجام حفظ شود، گفت: همه یک‌جور فکر نمی‌کنند؛ آن‌هایی که در میدان ایستادند، آن‌هایی که به خیابان آمدند و حتی آن‌هایی که سکوت کردند. عده‌ای الان در داخل ضمن اینکه اقدامات ترامپ و نتایج‌ها و جنگ را محکوم می‌کنند، سکوت کرده و این روزها اظهار نظر زیادی نمی‌کنند. این‌ها همان تفاوت دیدگاه‌هاست که عرض کردیم و نشان می‌دهد که جامعه ایران متکثر اما متحد است؛ یک ملت، یک تن واحد. یک ایران جان که یکجا مورد توجهش است.

این فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: البته هر کدام از این افراد مسائل و مشکلات اقتصادی دارند، به خصوص که افراد بیشتری بیکار شده‌اند؛ گفته می‌شود حدود دو میلیون نفر بیکار شده‌اند، بخشی از کسب‌وکارهای اینترنتی بیش از بقیه آسیب دیده‌اند و به‌شدت محدودیت دارند. برخی صنایع و بخش‌های مختلف نیز آسیب دیده‌اند. گفته می‌شود که فقط در تهران سی و هشت هزار واحد مسکونی آسیب دیده است و این تعداد در کشور چند برابر می‌شود. به طور مثال، ظرفیت مسکن کشور در بهترین شرایط ۳۰۰ هزار واحد بوده؛ یعنی تقریباً شاید نصف ظرفیت یک‌ساله ساخت‌وساز کشور در این حادثه آسیب دیده است. همه این آسیب‌ها باید ترمیم شود. دوباره به سراغ مطالبات یک بخش خاص نرویم و بقیه بخش‌ها نادیده گرفته شوند

میلیونی است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که افراد موافق و مخالف هستند، حتی مخالف جمهوری اسلامی هم هستند، اما در این شرایط به صحنه آمدند و کمک کردند و علیه ترامپ و نتایج‌ها متحد ایستادند و پرچم به دست گرفتند.

وی تأکید کرد: اما معنایش این نیست که حالا همه دیدگاه‌ها یکسان شده است. باید حرمت مردم، حرمت ملت، حرمت همه بخش‌ها، اصناف و مناطق رعایت شود. کار دشواری است، اما حاکمیت و دولت باید مراقبت کنند که به کسی توهین نشود، حق کسی ضایع نشود و عده‌ای بیش از سهم خود مطالبه نکنند و دیگران را مورد استنطاق قرار ندهند.

میرلوحی با اشاره به توهین‌ها به اعضای تیم مذاکره کننده گفت: همین روزها شنیدید که درباره مذاکره و دیپلماسی چگونه صحبت می‌شود. برخی همچنان فکر می‌کنند اگر مخالف مذاکره یا دیپلماسی هستند، حق دارند دیگران را زیر سؤال ببرند. در حالی که گفته شد ما «میدان»، «مردم» و «مذاکره» هر سه را نیاز داریم. این سه عامل هستند که امروز کشور را حفظ کرده‌اند و دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کرده‌اند. اگر هر کدام از این سه نبود، این موفقیت‌ها به دست نمی‌آمد. بنابراین باید هر سه با هم دیده شوند و مورد توجه قرار بگیرند و نگاه حاکمیت به‌گونه‌ای باشد که همه اقتضای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار بگیرند.

خط و نشان بکشد. این همان انحصارگرایی و زیاده‌طلبی است که دوباره در حال مطرح شدن است. وی گفت: این اصلاح در رفتار و شیوه گفت‌وگو با جامعه باید طوری باشد که انگار همه دیده می‌شوند.

در بحث‌های اقتصادی هم باید مسائل مختلف دیده شود. اگر منابعی هست و تلاش می‌شود به دست بیاید، باید طوری توزیع شود که همه بخش‌ها از آن برخوردار شوند، نه اینکه یک بخش را سیر کنیم و بخش‌های دیگر را رها کنیم. در سطح مناطق و استان‌ها نیز باید تلاش شود، به‌خصوص در بحث معیشت، که الان فشار زیادی روی جامعه است. دولت باید برای تأمین مسائل معیشتی مردم، به‌ویژه کالاهای اساسی، توجه ویژه داشته باشد تا مشکلی پیش نیاید.

باید از کسانی که متأسفانه برخی تریبون‌ها را در اختیار گرفته‌اند و تفرقه و چنددستگی را دامن می‌زنند، جلوگیری شود

این فعال سیاسی اصلاح طلب خاطرنشان کرد: مسئله بعدی هم این است که باید از کسانی که متأسفانه برخی تریبون‌ها را در اختیار گرفته‌اند و تفرقه و چنددستگی را دامن می‌زنند، جلوگیری شود. بالاخره این کشور ۹۰

مفهوم واقعی‌آن‌شاءالله متوقف شد و مشکلات رفع شد و توانستیم بالاخره با آمریکا به توافق برسیم، نباید دوباره زمینه مسائل داخلی فراهم شود.

صداسیما باید از این یک‌جانبه‌گرایی فاصله بگیرد و دیدگاه‌های مختلف را منعکس کند این چهره سیاسی در پاسخ به این سوال که مهم‌ترین اولویت کشور چیست، بر احترام به همه اقشار جامعه تأکید کرد و گفت: صداسیما باید از این یک‌جانبه‌گرایی فاصله بگیرد و دیدگاه‌های مختلف را منعکس کند. قرار نیست انحصاراً صدای یک بخش باشد و متأسفانه این مشکلی است که الان وجود دارد. می‌بینید بعضی تریبون‌ها حتی همین تریبون‌های شبانه و میادین‌آبادی در اختیار یک بخش خاص باشد که احساس کند می‌تواند علیه هیئت مذاکره کننده، علیه دولت و علیه دیگران

خروج امارات از اوپک چه معنایی دارد؟



تصمیم امارات برای خروج از اوپک، صرفاً یک اقدام فنی در بازار نفت نیست؛ بلکه نشانه تغییر راهبردی ابوظبی در سایه جنگ ایران، رقابت با عربستان و همگرایی بیشتر با واشنگتن است. امارات که خود را در خط مقدم تهدیدات ایران می‌بیند، از همبستگی ناکافی خلیج فارس ناراضی است و می‌خواهد با اتکا به ظرفیت تولید نفت، استقلال عمل بیشتری داشته باشد. این خروج، اوپک را تضعیف و شکاف‌های نظم قدیمی خلیج فارس را آشکارتر کرده است.

به گزارش فرارو به نقل از نشریه فارن پالیسی، زمانی که امارات متحده عربی در اول ماه مه از اوپک خارج می‌شود، در واقع فقط یک سازمان نفتی را ترک نمی‌کند؛ بلکه از چارچوبی فاصله می‌گیرد که دیگر با منافع راهبردی و اقتصادی ابوظبی همخوانی ندارد. تصمیم امارات واکنشی لحظه‌ای به یک اختلاف فنی یا نارضایتی محدود از سهمیه تولید نیست؛ بلکه محصول همگرایی سه عامل کلیدی است: جنگ ایران، رقابت فزاینده با عربستان سعودی و هم‌راستایی عمیق‌تر و چندساله با واشنگتن.

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، امارات را به کشوری خط مقدم تبدیل کرده است؛ آن هم به شکلی که ابوظبی پیش‌تر چنین شدت و مستقیم بودن تهدید را تصور نمی‌کرد. ایران حمله به خاک امارات را با استناد به هم‌پیمانی راهبردی چند دهه‌ای ابوظبی با آمریکا توجیه کرد؛ هم‌پیمانی‌ای که در سال ۲۰۲۴ با معرفی امارات به‌عنوان «شریک دفاعی اصلی» از سوی ایالات متحده رسمیت بیشتری یافت. حملات ایران به منطقه صنعتی فجیره، بندر جبل‌علی را به لرزه انداخت و دود را بر فراز آسمان دبی پراکند.

ابوظبی احساس می‌کند این فشارها را تا حد زیادی به‌تنهایی تحمل کرده است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ظاهر همبستگی نشان دادند، اما این همبستگی از نگاه مقام‌های اماراتی کافی نبود. انور قرقاش در نشست «اینفلوئنسرهای خلیج فارس» صریحاً گفت واکنش سیاسی و نظامی کشورهای منطقه «ضعیف‌ترین در تاریخ» بوده است. بیان علنی چنین نارضایتی‌ای، درست در آستانه اعلام خروج از اوپک، پیامی روشن داشت: امارات دیگر حاضر نیست هزینه‌های راهبردی موقعیت خود را در چارچوب‌هایی بپردازد که در لحظه بحران، حمایت مؤثر و متناسبی برای آن فراهم نمی‌کند.

جنگ با ایران، هم‌زمان شوکی تاریخی به بازار انرژی وارد کرده است. تولید کل اوپک در ماه مارس ۲۷ درصد کاهش یافت و به ۲۰.۷۹ میلیون بشکه در روز رسید؛ کاهش که در پی حملات ایران به زیرساخت‌های خلیج فارس و تهدید کشتیرانی در تنگه هرمز رخ داد. این اختلال، زنجیره‌های تأمین انرژی را به‌شدت تحت فشار قرار داد و نشان داد که نظم نفتی خلیج فارس تا چه اندازه به امنیت چند نقطه حساس وابسته است. کاهش عرضه، یعنی ۷.۸۸ میلیون بشکه در روز تنها در یک ماه، حتی از شوک‌های تاریخی مانند تحریم نفتی ۱۹۷۳ و جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ نیز فراتر رفت. تنگه هرمز، که در شرایط عادی حدود یک‌پنجم نفت خام و گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کند، اکنون از یک مسیر تجاری حیاتی به گلوگاهی تحت محاصره فعال تبدیل شده است.

ابوظبی سال‌ها برای افزایش ظرفیت تولید نفت خود سرمایه‌گذاری کرده و اکنون در بازاری که با کمبود، قیمت‌های بالا و نگرانی از اختلال روبه‌روست، می‌تواند از این ظرفیت به‌عنوان اهرمی اقتصادی و سیاسی استفاده کند. اما باقی ماندن در اوپک، با سهمیه‌های

زمان خود به‌عنوان موردی خاص و استثنایی معرفی شدند، اما کنار هم قرار دادن آن‌ها روندی روشن را نشان می‌دهد: اوپک از درون و بر اثر واگرایی‌های راهبردی اعضا در حال تضعیف است. خروج ابوظبی، جدی‌ترین و نمادین‌ترین حلقه این روند است.

خلیج فارس پس از جنگ ایران؛ پایان تدریجی نظم قدیمی منطقه

عربستان سعودی همچنان ساختار نهادی اوپک و اراده سیاسی لازم برای رهبری آن را در اختیار دارد. ریاض هنوز مهم‌ترین بازیگر این سازمان است و ظرفیت مازاد قابل توجهی دارد. اما از این پس، رهبری اوپکی کوچک‌تر، ضعیف‌تر و کمتر منسجم، آن هم در دوره‌ای از اختلال بی‌سابقه در عرضه جهانی انرژی، چالشی بسیار دشوارتر خواهد بود. در واقع، ریاض اکنون باید سازمانی را هدایت کند که از نظر ساختاری تضعیف شده، از نظر سیاسی دچار واگرایی است و از نظر اقتصادی با فشارهای تازه بازار، جنگ ایران و رقابت تولیدکنندگان مستقل روبه‌روست.

جنگ ایران، برخلاف انتظار برخی ناظران، کشورهای خلیج فارس را به یک جبهه واحد تبدیل نکرده است؛ بلکه شکاف‌های قدیمی میان آن‌ها را عمیق‌تر و آشکارتر ساخته است. اختلاف‌هایی که پیش‌تر در پرونده یمن، رقابت‌های اقتصادی، نگاه متفاوت به واشنگتن و شیوه تعامل با تهران دیده می‌شد، اکنون با شتاب بیشتری خود را نشان می‌دهد

این واگرایی، پیش از هر چیز در مواضع متفاوت کشورهای خلیج فارس در قبال ایران دیده می‌شود. عمان، که پیش از جنگ میزبان مذاکرات آمریکا و ایران بود و همواره نقش میانجی را ایفا کرده، حتی پس از حملات ایران به خاک خود نیز از مسیر دیپلماسی فاصله نگرفته است. قطر نیز رویکردی مشابه اما با انگیزه‌های خاص خود دنبال کرده است. دوحه، به‌دلیل اشتراک در یک میدان گازی عظیم با ایران و حفظ کانال‌های ارتباطی پایدار با تهران، بر منطق همزیستی تأکید دارد. وزارت خارجه قطر نیز با لحنی منادار اعلام کرده است که دو کشور «برای آینده بشریت همسایه باقی خواهند ماند». عربستان سعودی نیز با وجود آنکه از حملات ایران آسیب دیده، همچنان رویکردی محتاطانه‌تر در پیش گرفته است. ریاض به‌خوبی می‌داند که یک جنگ طولانی با ایران می‌تواند برنامه‌های تحول اقتصادی، پروژه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰، امنیت سرمایه‌گذاری و مسیرهای صادراتی‌اش را تهدید کند.

در مقابل، امارات متحده عربی سخت‌گیرانه‌ترین موضع را در میان کشورهای خلیج فارس اتخاذ کرده است. ابوظبی خواستار غرامت، بازگشایی بی‌قیدوشرط تنگه هرمز و عقب‌نشینی گسترده نفوذ ایران شده است. خروج امارات از اوپک را نیز باید در همین چارچوب دید. این تصمیم صرفاً اقدامی نفتی یا فنی نبود، بلکه بخشی از رویکردی ژئوپلیتیکی تازه ابوظبی است؛ رویکردی که بر استقلال عمل، همسویی نزدیک‌تر با واشنگتن، بهره‌برداری از ظرفیت مازاد تولید و فاصله گرفتن از محدودیت‌های جمعی تأکید دارد.

ابوظبی به این جمع‌بندی رسیده است که منافعش در نقش‌آفرینی مستقل بهتر است و در میان‌مدت می‌تواند به تهدیدی وجودی برای این سازمان تبدیل شود. امارات پیش از جنگ، سومین تولیدکننده بزرگ اوپک بود و حدود ۱۲ درصد از عرضه کل این کارتل را تأمین می‌کرد. این خروج در خلأ رخ نداده است. آنگولا در سال ۲۰۲۴ به‌دلیل اختلاف بر سر سهمیه‌ها از اوپک خارج شد و قطر نیز در سال ۲۰۱۹ همین مسیر را پیموده بود. هر یک از این خروج‌ها در

برای توازن بودجه و تأمین مالی پروژه‌های عظیم چشم‌انداز ۲۰۳۰ به قیمت نفتی در حدود ۸۰ دلار برای هر بشکه نیاز دارد. از همین رو، ریاض منفعتی پایدار در کنترل عرضه، مدیریت تولید و حفظ قیمت‌های بالا دارد. در مقابل، امارات مسیر متفاوتی را پیموده است. اقتصاد این کشور، به‌ویژه با نقش‌آفرینی دبی به‌عنوان قطب جهانی مالی، لجستیک، هوانوردی و تجارت، با سرعت بیشتری متنوع شده است. ابوظبی همچنان نفت را منبعی حیاتی می‌داند، اما وابستگی آن به قیمت بالای نفت کمتر از عربستان است. آنچه امارات از بخش انرژی خود می‌خواهد، بیش از آنکه مدیریت قیمت باشد، حداکثرسازی حجم تولید، افزایش سهم بازار و بازگشت سرمایه‌گذاری‌های عظیم در توسعه ظرفیت شرکت ملی نفت ابوظبی است.

این تفاوت‌ها فقط اختلاف در سیاست‌گذاری نفتی نیست؛ بلکه بازتاب دو مدل اقتصادی متفاوت است. جزئیات خروج امارات نیز به اندازه اصل تصمیم معنادار است. وزیر انرژی امارات روز سه‌شنبه تأیید کرد که ابوظبی حتی پیش از اعلام خروج، با ریاض مشورت نکرده است. این نکته، وضعیت واقعی روابط دو کشور را به‌خوبی نشان می‌دهد. عربستان، به‌عنوان رهبر بلامنازع اوپک، خبر خروج یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان خلیج فارس را نه از مسیر رایزنی‌های محرمانه و هماهنگی‌های سنتی، بلکه از طریق یک بیانیه مطبوعاتی دریافت کرد.

خروج امارات از اوپک؛ همگرایی تازه ابوظبی و واشنگتن در بازار نفت

بعد واشنگتن در تصمیم امارات برای خروج از اوپک به اندازه رقابت نفتی با عربستان اهمیت دارد. توافقات ابراهیم، تعمیق همکاری‌های امنیتی با اسرائیل و تلاش مداوم ابوظبی برای تثبیت جایگاه خود به‌عنوان شریک غیرقابل چشم‌پوشی آمریکا در خلیج فارس، همگی در یک مسیر قرار داشته‌اند؛ اینکه هرگونه فاصله‌گیری واشنگتن از امارات متحده عربی، از نظر سیاسی و راهبردی، برای آمریکا پرهزینه شود. اکنون این محاسبه در حال آزمون است و نشانه‌ها حاکی از آن است که واشنگتن نیز پیام ابوظبی را دریافت کرده است.

خروج امارات از اوپک؛ همگرایی تازه ابوظبی و واشنگتن در بازار نفت

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا،

تولید و سازوکار تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع، این مزیت را محدود می‌کند. از نگاه امارات، اوپک دیگر به اندازه گذشته نماینده منافع ابوظبی نیست. اما امارات در لحظه‌ای قرار دارد که می‌خواهد سریع‌تر، مستقل‌تر و متناسب با ظرفیت‌های خود عمل کند.

زمان‌بندی و شیوه خروج امارات متحده عربی از اوپک را نمی‌توان صرفاً یک تصمیم اقتصادی یا فنی در حوزه انرژی دانست. این اقدام، نشانه‌های آشکار از شکافی عمیق‌تر در روابط ابوظبی و عربستان سعودی است؛ رابطه‌ای که سال‌ها به‌عنوان یکی از ستون‌های ثبات خلیج فارس شناخته می‌شد، اما اکنون به‌تدریج زیر فشار رقابت‌های اقتصادی، اختلاف در سیاست نفتی و تفاوت در مدل‌های توسعه‌ای فرسوده شده است. در مرکز این شکاف، پرسشی بنیادین قرار دارد: چه کسی باید کنترل بازار نفت را در دست داشته باشد؟

در کمتر از ۲ دقیقه سرور مجازی ابری بسازید!

ریشه‌های این اختلاف به سال ۲۰۱۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که ائتلاف اوپک-پلاس با مشارکت روسیه شکل گرفت. از همان زمان، امارات به‌تدریج احساس کرد سهمیه‌هایی که برای آن تعیین می‌شود، با ظرفیت تولیدی رو به رشدش همخوانی ندارد. جنگ قیمتی نفت در دوران کرونا در سال ۲۰۲۰ این شکاف را عمیق‌تر کرد. عربستان با هدایت کاهش‌های سنگین تولید، تلاش کرد بازار را متعادل نگه دارد و از سقوط بیشتر قیمت‌ها جلوگیری کند. اما از نگاه امارات، این کاهش‌ها باری ناعادلانه بر دوش کشوری بود که میلیارد‌ها دلار برای افزایش ظرفیت تولید سرمایه‌گذاری کرده بود.

تا سال ۲۰۲۱، این اختلاف از پشت درهای بسته بیرون آمد. امارات به‌طور علنی با تمديد محدودیت‌های تولید مورد حمایت عربستان مخالفت کرد و این مخالفت به رویارویی مستقیم میان دو متحد سنتی انجامید. بحران در نهایت با افزایش سهمیه پایه تولید امارات به ۳.۶۵ میلیون بشکه در روز مدیریت شد، اما این توافق فقط شکاف را موقتاً پوشاند؛ نه اینکه آن را حل کند. از آن زمان به بعد، اختلاف ریاض و ابوظبی ماهیتی ساختاری‌تر پیدا کرده است. عربستان

سقف ودیعه مسکن افزایش یافت

بانک مرکزی در مصوبه‌های جدید، سقف تسهیلات کمک ودیعه مسکن را حدود ۳۳ درصد ارتقا داد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، بر اساس جزئیات ابلاغ شده،

سقف این وام به شرح زیر است: کلان شهر تهران، ۳۶۵ میلیون تومان. مراکز استان‌ها، ۲۸۰ میلیون تومان. سایر شهرها، ۱۸۵ میلیون تومان. مناطق روستایی ۷۵ میلیون تومان

فارس نوشت: گفتنی است نرخ سود مصوب برای این تسهیلات ۲۳ درصد در نظر گرفته شده و متقاضیان واجد شرایط موظف هستند این وام را در بازه زمانی حداکثر ۶۰ ماه (۵ سال) بازپرداخت نمایند.

در رفتن فنر قیمت دلار چه بلایی بر سر زندگی مردم می آورد؟

روزگار سیاه پول ملی و سفره‌های خالی



هشدار مقام بانک مرکزی اروپا درباره خطر رکود در صورت تداوم جنگ



یکی از اعضای شورای حکام بانک مرکزی اروپا هشدار داد ادامه درگیری در خاورمیانه می‌تواند اقتصاد منطقه یورو را به سمت رکود سوق دهد و بر تصمیمات پولی این بانک اثر بگذارد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از رویترز، نایب استورناراس عضو شورای حکام بانک مرکزی اروپا (ECB) اعلام کرد نگرانی‌ها درباره حرکت اقتصاد منطقه یورو به سمت رکود در صورت ادامه درگیری‌ها در خاورمیانه واقعی و قابل توجه است و روند مذاکرات برای پایان دادن به جنگ با ایران می‌تواند بر سیاست پولی این بانک اثر گذار باشد.

استورناراس که ریاست بانک مرکزی یونان را نیز بر عهده دارد، در گفت‌وگویی با روزنامه قبرسی «فیله‌لفتروس» که روز یکشنبه منتشر شد، گفت اقتصاد منطقه یورو با وجود نشان دادن سطحی از تابآوری، با کاهش سرعت رشد مواجه شده است. وی توضیح داد اختلالات احتمالی در عرضه ناشی از تنش‌های خاورمیانه می‌تواند فشار منفی بر اقتصاد وارد کند و خطر رکود را افزایش دهد.

به گفته این مقام اروپایی، افزایش قیمت انرژی و تشدید عدم قطعیت اقتصادی، به‌ویژه با توجه به وابستگی بالای کشورهای منطقه یورو به واردات انرژی، می‌تواند به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی و تورم اثر بگذارد.

استورناراس تأکید کرد شرایط کنونی با سال ۲۰۲۲ متفاوت است؛ زیرا در حال حاضر اقتصاد منطقه یورو با رشد ضعیف‌تر، شرایط مالی سخت‌گیرانه‌تر و محدودیت بیشتر در فضای مالی دولت‌ها مواجه است و همین موضوع دامنه سیاست‌گذاری را محدودتر کرده و اقتصادها را آسیب‌پذیرتر می‌کند.

وی در ادامه گفت تاکنون اثر چشمگیری از افزایش قیمت انرژی بر نرخ تورم مشاهده نشده، اما در صورت آسیب به زیرساخت‌های انرژی، امکان شکل‌گیری فشارهای تورمی در میان مدت وجود دارد. همچنین افزایش عدم قطعیت اقتصادی ممکن است بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد.

این عضو شورای حکام بانک مرکزی اروپا تصریح کرد واکنش سیاستی به میزان شدت، مدت زمان و نحوه انتقال این شوک‌ها بستگی دارد و اگر مشخص شود این شوک موقتی است و اثرات ثانویه قابل توجهی ندارد، نیازی به تغییر در سیاست پولی نخواهد بود. وی افزود در صورتی که تورم به‌طور موقت در سطوح بالا باقی بماند و از هدف تعیین‌شده بانک مرکزی اروپا عبور کند، ممکن است تعدیل سنجیده‌ای در سیاست‌های پولی برای مهار پیامدهای تورمی ضروری باشد.

استورناراس در پایان هشدار داد اگر انحراف تورم از هدف تعیین‌شده بزرگ و پایدار باشد، واکنش سیاستی بانک مرکزی اروپا باید فاطعانه باشد.

نسبت سپرده قانونی بانکها تا ۱.۵ واحد درصد افزایش یافت



بانک مرکزی اعلام کرد: نسبت سپرده قانونی بانک‌ها با هدف مدیریت نقدینگی، به تشخیص رئیس کل بانک مرکزی در دو مرحله طی اردیبهشت ماه سال جاری تا ۱.۵ واحد درصد افزایش می‌یابد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از بانک مرکزی،

بر اساس بند یک از مصوبات شصت و یکمین جلسه مورخ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ شورای سیاست‌گذاری پولی و ارزی مقرر شد: با هدف مدیریت نقدینگی، طی اردیبهشت ماه سال جاری نسبت سپرده قانونی تا ۱.۵ واحد درصد، به تشخیص رئیس کل بانک مرکزی در دو مرحله افزایش می‌یابد.

در ادامه این مصوبه آمده است: در مرحله نخست، نسبت سپرده قانونی برای همه بانک‌ها و موسسات اعتباری به میزان ۰.۷۵ واحد درصد افزایش می‌یابد.

بانک مرکزی در این ابلاغیه تأکید کرده است: بانک‌ها بایستی مراتب را با لحاظ مفاد بخشنامه شماره ۹۶/۱۴۹۱۵۳ در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۹۶ به تمام واحدهای ذی‌ربط بانک و مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ کرده و بر حسن اجرای آن نظارت دقیق به عمل آورند.

سیگنالی به بازار فرستاد که معنای آن چیزی جز «تداوم فشار» نبود. در این شرایط، ریال ایران بدون هیچ سپر دفاعی در برابر شوک‌های بیرونی رها شده است. ترازنامه‌ای که قرار بود سرنوشت پول ملی را بنویسد، اکنون تحت تأثیر ریسک‌های سیاسی نوشته می‌شود. اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ارز در ایران از یک متغیر اقتصادی به یک «متغیر امنیتی» تبدیل شده است. وقتی اعتماد عمومی به سیاست‌های پولی از دست می‌رود، طلا و ارز به تنها سنگر مردم برای محافظت از دسترنج یک عمرشان تبدیل می‌شوند و همین هجوم جمعی، خود به موتور محرک تورم تبدیل می‌شود.

چشم‌انداز مه‌آلود؛ در انتظار معجزه دیپلماسی

واقعیت تلخ آن است که ابزارهای بانک مرکزی در شرایط فعلی، شباهت بسیاری به ریختن آب در حوضی دارد که شیر ورودی آن بسته و خروجی‌هایش باز است. تزریق محدود ارز توافقی (که حالا از مرز ۱۴۳ هزار تومان عبور کرده) تنها شکاف میان نرخ رسمی و آزاد را بیشتر کرده و رانتی جدید برای دلان ساخته است. حقیقت این است که درمان درد دلار ۱۹۰ هزار تومانی در تالار معاملات نیست، بلکه در اتاق‌های مذاکره است. تا زمانی که وضعیت «نه جنگ و نه توافق» ادامه داشته باشد، بازار در همین فضای مه‌آلود به نوسان صعودی خود ادامه خواهد داد. تثبیت نرخ ارز و نجات معیشت مردم، نیازمند یک «شوک مثبت سیاسی» است که بتواند زنجیره انتظارات تورمی را پاره کند. در غیاب چنین شوکی، حتی آرامش‌های مقطعی نیز تنها «آرامش پیش از طوفان» خواهند بود. امروز، دلار ۱۹۰ هزار تومانی زنگ خطری است که نه فقط برای اقتصاد، بلکه برای ثبات اجتماعی به صدا درآمده است؛ زنگ خطری که هشدار می‌دهد پول ملی در حال ذوب شدن در تنور بحران‌های حل‌نشده سیاسی است.

سیاه سنگین کاخ سفید و تنگه هرمز بر سر ریال

بازار ارز ایران در هفته‌های گذشته، بیش از آنکه تحت تأثیر متغیرهای داخلی باشد، به اخبار رسیده از تنگه هرمز و واشنگتن چشم دوخته بود. تهدیدهای تعرفه‌های جدید ترامپ علیه شرکای تجاری و بن‌بست در مذاکرات، احتمال طولانی شدن محاصره دریایی و حرکت برگشت به درگیری نظامی،

حتی اگر بانک مرکزی تمام ذخایر خود را هم به بازار تزریق کند، تا زمانی که «اطمینان» به آینده بازنگردد، ولع بازار برای بلعیدن دلار فروکش نخواهد کرد.

از تابلوی صرافی تا سفره‌های خالی؛ بلای خانمان سوز معیشت

اعداد و ارقام روی تابلوی صرافی‌ها، در خلاء زندگی نمی‌کنند. دلار ۱۹۰ هزار تومانی، پوند ۲۵۸ هزار تومانی و یورو ۲۲۳ هزار تومانی، مستقیماً به معنای گران‌تر شدن نان، دارو، مسکن و تمام اقلام اساسی است که زندگی روزمره مردم به آنها وابسته است. این بلایی خانمان‌سوز است که بیش از همه، طبقه کارگر و حقوق‌بگیر را در مانده کرده است. تورم فروردین‌ماه که بر اساس برخی گزارش‌ها از مرز ۵۰ درصد عبور کرده، حالا با این جهش ارزی، آماده است تا قله‌های جدیدی را فتح کند.

انتقال بحران از بازار ارز به قفسه فروشگاه‌ها، مکانیسمی بی‌رحمانه دارد. واردکنندگان کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید، اکنون با نرخ‌هایی روبه‌رو هستند که محاسبات قیمت تمام‌شده را ناممکن کرده است. بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند، چرا که توان تأمین سرمایه در گردش با دلار ۱۹۰ هزار تومانی را ندارند. این مارییج تورمی، قدرت خرید ریال را به پایین‌ترین سطح تاریخی خود رسانده و هر ساعت تأخیر در مهار آن، خانواده‌های بیشتری را به زیر خط فقر مطلق می‌راند.

سایه سنگین کاخ سفید و تنگه هرمز بر سر ریال

وقتی مردم حس کنند که قیمت‌ها در آینده‌ای نزدیک قرار است با جهشی دوباره روبه‌رو شوند، رفتاری «پیش‌دستانه» انجام می‌دهند. این تقاضای احتیاطی، دقیقاً همان عاملی است که باعث شده دلار در کمتر از یک هفته از ۱۶۰ هزار تومان به ۱۹۰ هزار تومان پرتاب شود. در این وضعیت،

در فروردین‌ماه مثل آبی بر آتش عمل کرد و قیمت‌ها را به موقت به کانال ۱۵۰ هزار تومان بازگرداند، اما بن‌بست در مذاکرات اسلام‌آباد و مسقط، بار دیگر موتور انتظارات تورمی را روشن کرد.

تحلیلگران معتقدند جهش اخیر، نتیجه مستقیم قطع امید بازار از راه‌حل‌های کوتاه‌مدت است. وقتی صادرات نفت به دلیل محاصره دریایی و بسته‌شدن مسیرهای سنتی انتقال ارز به حداقل می‌رسد، بانک مرکزی عملاً قدرت مداخله موثر خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، دلار دیگر نه یک ابزار مبادله، بلکه به یک «پناهگاه امن» برای حفظ ارزش دارایی‌ها تبدیل شده است. هجوم نقدینگی سرگردان به سمت بازار ارز و طلا در روزهای گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران، غبارآلود بودن چشم‌انداز سیاسی را به معنای تداوم سقوط ارزش پول ملی تعبیر کرده‌اند.

مثلث بحران؛ نفت، نقدینگی و انتظارات تورمی

آنچه امروز شاهد هستیم، محصول هم‌افزایی سه عامل ویرانگر است. در رأس این مثلث، «انسداد منابع ارزی» قرار دارد. محاصره دریایی بنادر که حالا وارد سومین هفته خود شده، شریان حیاتی درآمدی کشور را هدف قرار داده است. در ضلع دوم، غول نقدینگی قرار دارد که به دلیل کسری بودجه مزمن و چاپ پول بدون پشتوانه در سال‌های اخیر، حالا با کوچکترین جرقه سیاسی، به سمت بازارهای موازی حرکت می‌کند. اما ضلع سوم و شاید مخرب‌ترین آنها، «انتظارات تورمی» است.

وقتی مردم حس کنند که قیمت‌ها در آینده‌ای نزدیک قرار است با جهشی دوباره روبه‌رو شوند، رفتاری «پیش‌دستانه» انجام می‌دهند. این تقاضای احتیاطی، دقیقاً همان عاملی است که باعث شده دلار در کمتر از یک هفته از ۱۶۰ هزار تومان به ۱۹۰ هزار تومان پرتاب شود. در این وضعیت،

اعداد و ارقام روی تابلوی صرافی‌ها، در خلاء زندگی نمی‌کنند. دلار ۱۹۰ هزار تومانی، پوند ۲۵۸ هزار تومانی و یورو ۲۲۳ هزار تومانی، مستقیماً به معنای گران‌تر شدن نان، دارو، مسکن و تمام اقلام اساسی است که زندگی روزمره مردم به آنها وابسته است. این بلایی خانمان‌سوز است که بیش از همه، طبقه کارگر و حقوق‌بگیر را در مانده کرده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- این روزها تماشای تابلوی صرافی‌ها برای مردم، شبیه یک فیلم ترسناک یا تماشای صحنه یک آواربرداری است؛ آواری که نه بر سر ساختمان‌ها، بلکه بر سر توان خرید، امید به آینده و ارزش دارایی‌هایی فرود آمده که مردم عمری برای جمع‌آوری آن کار و تلاش کرده‌اند.

دلار در صبح یکشنبه، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵، به عددی رسید که تا همین چند ماه پیش، حتی در بدبینانه‌ترین سناریوها هم کسی جرأت بر زبان آوردنش را نداشت؛ ۱۹۰ هزار تومان. این عدد، تنها یک شاخص اقتصادی نیست؛ این فشرده‌ترین روایت از ۷۳ روز بحران مستمری است که در آن «تنگه هرمز» در محاصره مانده، نفت صادر نشده و نجوای مذاکرات در کوچه‌پس‌کوچه‌های دیپلماسی گم شده است. حالا با عبور سکه امامی از مرز ۲۱۲ میلیون تومان، فنر فشرده‌شده‌ای که دولت مدت‌ها با ابزارهای غیرپولی سعی در مهارش داشت، به یکباره رها شده و مستقیماً قلب معیشت مردم را نشانه رفته است.

چرا بازار به سیم آخر زد؟

برای درک آنچه امروز در میدان فردوسی و سبزه‌میدان می‌گذرد، باید از منطق عرضه و تقاضای معمول فاصله گرفت. واقعیت آن است که ارز در ایران به یک «ففس ژئوپولیتیک» افتاده است. از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ که شعله‌های تنش برافروخته شد، اقتصاد ایران وارد فاز جدیدی از «انسداد ارزی» شده است. با وجود آتش‌بس شکننده‌ای که

مدیریت اخبار در برابر صدای مردم



در جنگ ۱۲ روزه، تقریباً تمام دسترسی‌ها برای عکاسان، فیلمبرداران، مستندسازان و... محدود شده بود. محمداحسان مفیدی‌کیا، مستندساز ضمن اشاره به این نکته می‌گوید: «در واقع سیستم مدیریت بحران در بالادست تصمیم به حداقلی کردن دسترسی‌ها گرفت چراکه رویکرد، مدیریت اخبار بود.» رویکردی که شواهد نشان می‌دهد در جنگ ۳۹ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، دست کم در قبال عکاسان و فیلمبرداران و مستندسازان متفاوت بوده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران تصویر امدادگران در حال جست‌وجو در میان آوار ساختمان‌های مسکونی تخریب‌شده و ساکنان به‌تازدهای که ناگزیر از ترک خانه‌اند، از جمله تصویری بود که در طول ۳۹ روز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران به‌کرات در رسانه‌ها منتشر شد. اتفاقی برخلاف آن چه در جنگ ۱۲ روزه شاهد بودیم. در جنگ ۱۲ روزه، آن طور که محمداحسان مفیدی‌کیا، مستندساز و مشاور رسانه‌ای رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر می‌گوید سیستم مدیریت بحران در بالادست، ظاهراً تصمیم به حداقلی کردن دسترسی‌ها گرفته بود و رویکرد، مدیریت اخبار بود. همین موجب شد، عملاً عکس و فیلمی از آن چه در فاصله ۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴ بر غیرنظامیان گذشت در دسترس نباشد. پس از آن بود که احتمال درگرفتن جنگی دیگر، با وجود امیدواری به عدم وقوع آن، موجب شد رایزنی‌هایی صورت گیرد و نتیجه این رایزنی‌ها، بهبود شرایط دسترسی برای عکاسان و فیلمبرداران و مستندسازان و... شد. خروجی بهبود شرایط دسترسی، عکس‌ها و ویدئوهایی بود که اگرچه برخی‌شان در ابتدا، در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و ایکس (توییتر سابق) با اتهاماتی چون سوءاستفاده از هوش مصنوعی و عکاسی صحنه‌آرایی شده (Staged photography) مواجه شدند اما به

واسطه وجود شواهد متعدد، حقیقی بودن‌شان خیلی زود اثبات و به صدای بی‌صدایان تبدیل شد که در خواب هم نمی‌دیدند روزی خانه‌شان یکی از اهداف حملات موشکی آمریکا و اسرائیل قرار گیرد. البته که گذشت بیش از ۱۵۳۶ ساعت از قطعی اینترنت در ایران و ورود به روز شصت و چهارم خاموشی دیجیتال، موجب شده است در مجموع روی سخن بیشتر با مخاطبان خارج از کشور باشد. عکس اصلی از وحید حسینی است.

دلایل احتمالی آرشیو عکس خالی‌مان از جنگ ۱۲ روزه

محمداحسان مفیدی‌کیا، در ابتدا به این نکته اشاره می‌کند که هم به‌عنوان مستندساز و هم به‌عنوان داوطلب هلال احمر، در طول دو دهه گذشته همواره شاهد بوده که دسترسی مستندساز و دوربین‌ها به اطلاعات و اخبار و عمق فاجعه میدان، به‌ویژه در بحران‌های برساخته انسان از جمله بحران‌های زیست‌محیطی یا بحران‌هایی با ابعاد امنیتی و نظامی مانند جنگ، با محدود مواجه بوده است. محدودیتی که طبق

بود که در جنگ ۱۲ روزه تقریباً تمام دسترسی‌ها برای عکاسان، فیلمبرداران، مستندسازان و... محدود شده بود. او ادامه می‌دهد: «در واقع سیستم مدیریت بحران در بالادست تصمیم به حداقلی کردن دسترسی‌ها گرفت چراکه رویکرد، مدیریت اخبار بود. در این میان، سازمان جمعیت هلال احمر هم بخشی از این سیستم مدیریتی بود و نقشی به آن معنا تأثیرگذار در ثبت و ضبط مستندات نداشت. نتیجه این که، از جنگ ۱۲ روزه، معدود فریم‌های عکس باقی مانده و عملاً در نسبت با آن فجایع فیلم چندانی باقی نماند. ما زمانی این مسئله را به شکل عینی لمس کردیم که قصد برگزاری نخستین دور رویداد رسانه‌ای «هما» را در قالب عکس و فیلم داشتیم. آن زمان متوجه شدیم حتی فعالان این حوزه هم آثار مستند قابل توجهی برای ارائه نداشتند یا داشتند اما چیزی به دبیرخانه هما ارسال نشد.»

بهبود وضعیت دسترسی؛ صدایی که شنیده شد

این مستندساز با اشاره به چگونگی بهبود شرایط کاری عکاسان، فیلمبرداران و مستندسازان در جنگ ۳۹ روزه به‌نسبت جنگ ۱۲ روزه، توضیح می‌دهد: «همه این شرایط از جمله نواقصی که در آرشیو با آن مواجه بودیم، موجب شد اساساً پیش از آن که خبری از جنگ دوباره باشد، شروع به رایزنی کنیم. در نهایت پیگیری‌های انجام‌شده از سوی مسئولین جمعیت هلال احمر و همکاری‌های صورت‌گرفته، موجب شد شاهد برقراری دسترسی‌های بهتری به نسبت جنگ ۱۲ روزه باشیم. نمود بهبود وضعیت دسترسی نیز در برد رسانه‌های مان دیده و از جمله باعث شد صدای مظلومیت مردم ایران از مسیر دوربین عکاسان و فیلمسازان، به گوش جهان برسد.»

او با اشاره به همراهی مستندسازان حرفه‌ای با تیم‌های امداد و نجات، می‌افزاید: «ما در فاصله جنگ ۱۲ روزه تا جنگ رمضان، برای ساماندهی

داوطلبان جمعیت هلال احمر نیز قدم‌هایی برداشتیم. قدم اول این بود که از همه داوطلبان حضور در عملیات امداد و نجات، خواستیم با مراجعه به سامانه «هلال من» به عضویت سازمان داوطلبان هلال احمر درآیند. این تصمیم موجب شد مستندسازان حرفه‌ای و شناخته‌شده‌مان در سطح بین‌المللی با تیم‌های امداد و نجات همراه شوند. این مستندسازان معتمد، پس از آن که به عضویت سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر درآمدند، همچنین براساس تأییدیه انجمن صنفی متبوع‌شان، نخست در محل‌های اسکان نجات‌گران همراه ما شدند و بعدتر در عملیات‌های امداد و نجات. این ساماندهی موجب شد این مستندسازان بتوانند به عضویت سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر درآیند و از این طریق دسترسی‌هایی ایجاد شود به کار حرفه‌ای خود بپردازند.»

کام‌هایی برای آینده

او با اشاره به شکل‌گیری «خانه هلال سینما»؛ خانه‌ای برای هنرمندان داوطلب، در پایان توضیح می‌دهد: «ما طی تعامل با انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند و نهاد بالادستی آن؛ خانه سینما، کوشیدیم خانه هلال سینما را به‌عنوان مکانی به میزبانی خانه سینما برای برگزاری دوره‌های آموزشی جمعیت هلال احمر بنیان بگذاریم. خانه‌ای که سینماگران در همه صنف، می‌توانند برای گذراندن دوره‌های آموزشی به آن مراجعه کنند.» او که ابراز امیدواری می‌کند «خانه هلال سینما» در هفته هلال احمر افتتاح شود تأکید می‌کند که به عقیده او هر رسانه‌ای وظیفه‌اش تشویق افراد به عضویت در سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر برای آموختن حداقل‌هاست، حداقل‌هایی که در موقعیت بحرانی هم چون معجزه برای نجات جان خودمان و دیگری به کار می‌افتند.

گروگان‌گیری‌ای که بیش از ۱۵ سال ادامه دارد!



زنده‌یاد فرشته طائرپور - تهیه‌کننده سینما - گفت‌وگو کند. این تهیه‌کننده سینما گفته بود: «۱۵۰ شبکه فارسی زبان مشغول به کار هستند که بسیاری از آنها بدون اجازه به پخش فیلم‌های ایرانی می‌پردازند. در این عرصه وجود ندارد و آنها با رابطه‌هایی که دارند فیلم‌ها را می‌گیرند و پخش می‌کنند. در این راستا ما در شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما پیگیر این قضیه هستیم. از اسفند ماه گذشته بیش از ۴۴ تهیه‌کننده شاخص سینما با حضور در یک دفتر حقوقی، وکلای دادیم تا این سرقت فرهنگی پیگیری شود.»

در سال ۹۴ هم خبر رسید که برای راه‌اندازی شبکه فیلم‌های درخواستی (V.O.D) با همکاری شورای عالی تهیه‌کنندگان توسط موسسه‌های تصویری اقداماتی در حال انجام است و این امیدواری وجود داشت که در طول شکل‌گیری این فعالیت سارقان داخلی فیلم نیز دست‌شان از بازار کالاهای فرهنگی کوتاه نشود اما در نهایت خود این پلتفرم‌ها نیز از کپی فیلم‌ها در امان نماندند.

ایسنا همچنان پیگیر بررسی معضل پخش غیرقانونی فیلم‌ها در ماهواره است که ممکن است دلایل امروزی آن با گذشته متفاوت باشد اما با باز نشر این اظهارات، بهانه‌ای برای یس‌ادآوری این موضوع است که این معضل قدیمی است و پس از گذشت بیش از یک دهه اقدام بازدارنده‌ای برای آن، به نتیجه نرسیده است.

ما به مسائلی می‌پردازیم که خیلی پیش‌پا افتاده است و بعضی‌ها هم شرایطی را ایجاد می‌کنند که از آب گل آلود ماهی بگیرند. این افراد اصلاً به فکر سینما نیستند و اتفاقاً آن‌ها هستند که مدام شعار «وای سینما» داده و بدون آنکه به جایگاه خودشان توجه کنند در هر جایی اظهار نظر کرده و آرامش لازم برای حل مشکلات را با رفتار، گفتار و نامه پراکنی‌هایشان از سینما بیرون می‌برند.

در همان مقطع علی سرتیپی از دیگر تهیه‌کنندگان سینما نیز اقدام برای حل مشکل پخش بدون اجازه فیلم‌های ایرانی از شبکه‌های ماهواره‌ای را به سه بخش تقسیم کرده بود: اقداماتی که دولت باید انجام دهد، اقداماتی که در قالب صنفی باید صورت گیرد و اقداماتی که تهیه‌کنندگان شخصاً باید پیگیر باشند.

و سعید سعدی یکی دیگر از تهیه‌کنندگان سینمای ایران نیز در بخشی از مصاحبه‌اش گفته بود: پرداخت هزینه اقداماتی مانند **FBI Warning** با بازگشت سرمایه بسیاری از فیلم‌ها مقدور نیست. وضعیت پخش غیرمجاز فیلم‌های ایرانی در همان مقطع باعث شد که برنامه سینمایی هفت با اجرای فریدون جیرانی به این موضوع بپردازد و این فیلمساز با

به نظرم در این بخش، تصویب قانون کپی‌رایت اصلی‌ترین مسأله‌ای است که باید پیگیری شود. البته ظاهراً کلیات این قانون در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده اما آیین‌نامه اجرایی توسط دولت تهیه نشده است. به محض اینکه بتوانیم بحث تبعیض از قانون کپی‌رایت بین‌المللی را قانونی کنیم هیچ شخص حقیقی دیگری نمی‌تواند بدون مجوز از فیلم‌هایمان استفاده کند. اما در حال حاضر چون ما تابع قانون کپی‌رایت نیستیم، شبکه‌های ماهواره‌ای فیلم‌هایمان را بدون پرداخت کوچکترین هزینه‌ای پخش می‌کنند و کاری هم از دست ما بر نمی‌آید.

این تهیه‌کننده سینما و تلویزیون یکی از دلایل کند شدن روند تصویب و اجرای قانون کپی‌رایت بین‌المللی در ایران را مشکل رسانه ملی با این قانون دانسته و گفته بود: تلویزیون ظاهراً رایت فیلم‌ها و سریال‌های خارجی را می‌خرد اما رقم پرداختی‌اش واقعی نیست. چیزی که من شنیده‌ام این است که تلویزیون فیلم‌ها را با رایت‌هایی که ارزش قانونی کمی دارند از کشورهای مانند مالزی یا امارات متحده خریداری می‌کند. به عنوان مثال آن‌ها حق رایت یک فیلم آمریکایی را هزار دلار می‌خرند در حالی که ممکن است حق رایت واقعی آن فیلم ۱۰۰ هزار دلار باشد، بنابراین اگر این قانون

کمبود نقدینگی در داروخانه‌ها



با بیان این که هم اینک میزان مطالبات داروخانه‌های کشور از سازمان‌های بیمه‌گر حدود ۴۰ همت است، گفت:

مطالبات چهار همتی داروخانه‌های استان از سازمان‌های بیمه‌گر

رئیس انجمن داروسازان خراسان رضوی گفت: تاخیر طولانی مدت در تسویه مطالبات داروخانه‌های استان از سوی سازمان‌های بیمه‌گر بین سه تا هفت ماه آن‌ها را با مشکل کمبود نقدینگی در تامین دارو مواجه کرده است. دکتر مهدی زحمتکش روز گذشته در گفت و گو با خبرنگار ایرنا در خصوص مشکلات و چالش‌های داروخانه‌های استان در تهیه دارو با اشاره به وجود ۲ مشکل جدی افزود: یکی از چالش‌های مهم نبود نقدینگی داروخانه‌ها به دلیل تاخیر در بازپرداخت مطالبات‌شان از سوی سازمان‌های بیمه‌گر است. هم اینک بیمه سلامت هفت ماه، بیمه تامین اجتماعی پنج ماه و بیمه نیروهای مسلح سه ماه در بازپرداخت مطالبات خود به داروخانه‌ها تاخیر دارند.

۳.۵ تا ۴ همت از این مطالبات متعلق به داروخانه‌های استان است. زحمتکش با تاکید بر اینکه مساله مطالبات داروخانه‌ها باید به صورت اساسی حل شود، عنوان کرد: اگر این مشکل حل نشود ممکن است ذخیره دارویی داروخانه‌ها طی چند ماه اخیر در زمان گذر از دوران بحران به دلیل عدم وجود نقدینگی و مشکل در خرید دارو مورد استفاده قرار گرفته و پس از آن داروخانه‌ها با کمبود دارو مواجه شوند که این امر سبب ایجاد مشکل برای بیماران در تامین داروهای مورد نیاز می شود. وی ادامه داد: هم اینک حدود هزار و ۴۰۰ داروخانه در استان فعال هستند که از این تعداد ۸۷۰ داروخانه در مشهد دایر است.

خبر



با مدیریت فشار شبکه در مشهد انجام شد: کاهش ۲ درصدی هدررفت آب



مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مشهد گفت: با توجه به افت شدید منابع آبی مشهد، مدیریت فشار شبکه توزیع برای تامین آب پایدار در کل شبکه آبرسانی مشهد در حال انجام است که یکی از خروجی های این طرح کاهش ۲ درصدی هدررفت آب بوده است.

حسین اسماعیلیان روز گذشته در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: به منظور مدیریت شبکه آب شرب مشهد، این شهر به ۲۱ پهنه اصلی و ۱۸۹ زیرپهنه تقسیم شده و مدیریت فشار در این پهنه‌ها و زیرپهنه‌ها قابل اجراست.

وی اضافه کرد: تاثیر مدیریت فشار شبکه در تامین آب مشهد از حفر چاه بیشتر است و در ۱۸۹ زیرپهنه شهر فشار به صورت میانگین ۲.۲ بار تنظیم شده و قابلیت مانور در توزیع فشار شبکه افزایش یافته است. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مشهد ادامه داد: توزیع بهینه فشار آب به صورت غیرمستقیم نقش مهمی در مدیریت مصرف دارد به طوری که سال ۱۴۰۴ با وجود گرمتر بودن دما نسبت به سال ۱۴۰۳ میزان تولید آب در مجموع هشت درصد کمتر از سال ۱۴۰۳ بود.

اسماعیلیان ابراز امیدواری کرد: با مشارکت مردم و مدیریت مصرف از تابستان امسال بدون تنش آبی و مشکل عبور خواهیم کرد. وی با بیان اینکه هدررفت آب در کلاتشهر مشهد هشت درصد است، عنوان کرد: ۱۳ هزار و ۱۰۰ فقره انشعاب غیرمجاز سال گذشته در شهرستان مشهد کشف شد و برخورد با انشعابات غیرمجاز همچنان با جدیت و قوت پیگیری می شود.

به گزارش ایرنا، طی سال جاری ۱۴ شهر خراسان رضوی با حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت و ۵۲۳ روستا با ۲۷۰ هزار نفر جمعیت به لحاظ برخورداری از آب شرب در شرایط قرمز قرار دارند.

وضعیت قرمز آبی یعنی تولید آب در شهرهایی که در این وضعیت هستند پاسخگوی میزان مصرف نیست و این موضوع تاب‌آوری این مناطق را به حداقل رسانده است به گونه ای که با بروز یک اتفاق، کم آبی و حتی شرایط بحرانی تر آبی در منطقه رخ می دهد.

۹۸ درصد پهنه شهرستان مشهد هم در وضعیت «خشکسالی شدید» است و ۶۰ درصد از این مساحت در شرایط «خشکسالی بسیار شدید» است. هم اکنون از مجموع ۳۷ دشت استان نیمی در شرایط «ممنوعه بحرانی» قرار دارد و وجود چاه‌های غیرمجاز و برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی مهم‌ترین علت بحرانی شدن وضعیت دشت‌های استان عنوان شده است.

۲ مورد فوت در مراکز نگهداری معلولان خراسان رضوی ظرف یک هفته

۱۶ ساله مجهول‌الهیوه در مرکز نگهداری معلولان ذهنی شدید بالای ۱۴ سال در شهرستان تربت حیدریه است که حدود یک هفته پیش رخ داده است و این فرد به دلیل معلولیت ذهنی شدید، رفتارهای خودآسیب‌رسان داشته است.



منبتی افزود: در زمان حادثه، محافظ‌های تخت که از جنس ابر بوده‌اند، توسط خود فرد کنده و خورده شده که منجر به خفگی و مرگ وی گردیده است و این اتفاق در غیاب موقت مددکار روی داده است.

وی ادامه داد: موضوع به اطلاع سازمان بهزیستی و مراجع قضایی رسیده است و در همان ساعات اولیه با افراد مقصر احتمالی قطع همکاری صورت گرفته است تا تعیین تکلیف نهایی توسط دستگاه قضایی در این رابطه انجام شود.

مدیر روابط عمومی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی در پایان تاکید کرد که در هر ۲ مورد، همکاری کامل با دستگاه قضایی برای روشن شدن ابعاد حادثه و معرفی مقصران احتمالی ادامه دارد.

گرفته است و در حال حاضر منتظر نظر نهایی دستگاه قضایی هستیم.

خفگی معلول در مرکز نگهداری تربت حیدریه

در خصوص حادثه دوم منجر به فوت یک معلول دیگر، مدیر روابط عمومی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی اظهار کرد: این حادثه مربوط به فوت یک پسر

خانواده از مرکز ترخیص شده و پس از یکی، دو روز بستری در بیمارستان، روز گذشته فوت کرده است.

وی با تاکید بر پیگیری موضوع اظهار کرد: در لحظات اولیه پس از حادثه سوختگی، با مراجع قضایی ارتباط برقرار شده و مسببان احتمالی قصور به این مراجع معرفی و بازدید از محل صورت

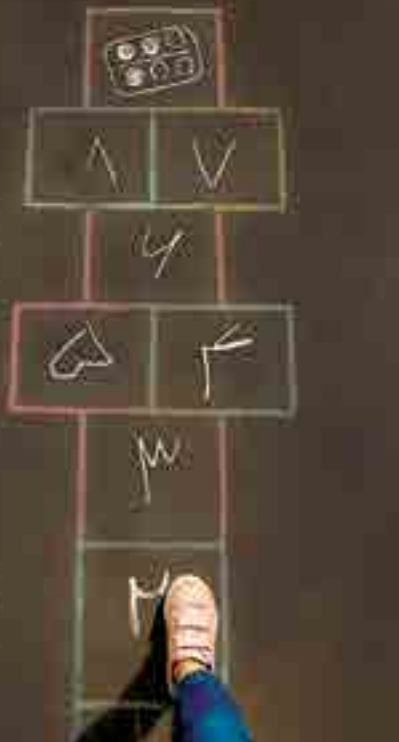
مدیر روابط عمومی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی، از وقوع ۲ حادثه ناگوار منجر به فوت در مراکز نگهداری معلولان این استان ظرف یک هفته خبر داد و اعلام کرد: در هر ۲ مورد، پرونده به مراجع قضایی ارجاع شده است و در انتظار نظر نهایی هستیم.

سید علی منبتی روز گذشته در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: نخستین حادثه در مرکز نگهداری معلولان قائم مشهد رخ داده است و فرد متوفی، متولد سال ۱۳۸۱ و مبتلا به بیماری اسکیزوفرنی بوده است این فرد در اسفند ماه سال گذشته دچار سوختگی ناشی از تماس با رادیاتور یک دستگاه گرم‌کن شده است.

وی مدعی شد: به دلیل شرایط بیماری اعصاب و روان، بیمار احساس درد نداشته و به همین دلیل شدت سوختگی بالا بوده ضمن این که بیمار دارای بیماری‌های زمینهای عفونی نیز بوده است.

او ادامه داد: بیمار پس از ویزیت توسط متخصص بیماری‌های عفونی، با رضایت

پایه قدم
برای تامین
پایه قلم



#۷۳*۱* *
تو هم برای حمایت
په قدم بردار

شماره کارت بانک شهر
۵۰۴۷-۰۶۱۰-۹۰۰۶-۶۶۸۵



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

۰۲۱-۲۳۵۴۰

موج خطرناک اخراج کارگران در راه!



دینا امروزی

محبوب با تأکید بر تداوم مطالبات صنفی کارگران، وضعیت معیشت و امنیت شغلی را بحرانی توصیف کرد و نسبت به موج جدید اخراج‌ها هشدار داد. او گفت افزایش حقوق‌ها و تصمیمات حمایتی فعلی همچنان از تورم عقب‌تر است و نیاز به بازنگری جدی در سیاست‌های مزدی و کارگری وجود دارد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر، با اشاره به روند تعیین دستمزد کارگران گفت: هدف اصلی در مذاکرات مزدی این بود که سطح حقوق‌ها به تدریج به قدرت خرید واقعی کارگران نزدیک شود، اما با وجود بررسی اعداد مختلف، در نهایت افزایش ۶۰ درصدی برای حداقل مزد و ۴۵ درصدی برای سایر سطوح تصویب شد که همچنان پاسخگوی تورم نیست.

دستمزد کارگران از تورم عقب‌تر است

وی در گفت‌وگو با صدا و سیما مصادف با روز کارگر افزود: این افزایش‌ها در مقایسه با تورم، نزدیک‌ترین ارقام ممکن بودند، اما همچنان از تورم عقب‌تر هستند و حتی به سطح آن هم نرسیده‌اند. همچنین با تأکید بر اینکه شیوه فعلی تعیین دستمزد نیازمند بازنگری است، تصریح کرد: با توجه به شرایط تورمی، دیگر افزایش سالانه حقوق معنا ندارد و باید به سمت افزایش‌های ماهانه حرکت کنیم؛ موضوعی که مستلزم اصلاح ماده ۴۱ قانون کار است.

دبیر کل خانه کارگر ادامه داد: در بسیاری از کشورها، از جمله ترکیه، تعیین دستمزد متناسب با شرایط تورمی و در بازه‌های کوتاه‌مدت انجام می‌شود، اما در ایران همچنان سالی یکبار این تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد.

وی همچنین نسبت به تشدید مشکلات معیشتی کارگران هشدار داد و گفت: همه ابعاد معیشت را نمی‌توان صرفاً با افزایش دستمزد حل کرد، اما اگر ساختارها اصلاح نشود، فشار بر جامعه کارگری بیشتر خواهد شد.

محبوب با اشاره به افزایش نگرانی‌ها درباره بازار کار اظهار کرد: در حال حاضر نشانه‌هایی از شکل‌گیری موج جدید اخراج نیروها مشاهده می‌شود که فراتر از پیش‌بینی‌هاست و می‌تواند تبعات جدی برای جامعه کارگری داشته باشد. او افزود: هنوز برآورد دقیقی از میزان

بیکاری احتمالی وجود ندارد، اما این روند می‌تواند وضعیت معیشتی کارگران را بیش از پیش تضعیف کند. او با تأکید بر لزوم ورود دولت و مجلس به این موضوع گفت: انتظار می‌رود دولت و وزارت تعاون و همچنین مجلس شورای اسلامی با مداخله به‌موقع، از گسترش این روند جلوگیری کنند. وی خاطر نشان کرد: در شرایط فعلی، اولویت اصلی باید مهار روند تضعیف معیشت و جلوگیری از گسترش اخراج‌ها باشد تا بتوان در ادامه به سایر مطالبات جامعه کارگری پرداخت.

معیشت مهم‌ترین مسئله کارگران و باز نشستگان است

همچنین علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر روز گذشته در مراسم روز کارگر ضمن تسلیت شهادت رهبر انقلاب و سایر شهدای جنگ اخیر و گرامیداشت روز کارگر، اظهار کرد: حضور شرکت‌کنندگان در این مراسم روز کارگر، نمادی از ایستادگی است.

وی افزود: رزمندگان کشور در یک جنگ سخت، نامتقارن و ترکیبی، در برابر لشکری عظیم از دشمن که هزینه‌های آن در این جنگ معادل شش برابر بودجه ما بوده است، رشادتهای بزرگی از خود نشان دادند.

وی در ادامه با اشاره به پیشینه خانه کارگر گفت: نخستین کنگره ما در سال ۱۳۵۸ برگزار شد و در آن زمان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که به تعبیر او «رهبر شهید» بود، حضور داشت و توجه و عنایت ویژه‌ای به جامعه کارگری نشان می‌داد و همواره از حامیان این قشر به شمار می‌رفت.

محبوب تأکید کرد: ما تحت هیچ شرایطی از مطالبات صنفی خود عقب‌نشینی نخواهیم کرد. همه کسانی که در این مراسم و حتی در برنامه‌های شبانه این روزها حضور دارند، به‌خوبی می‌دانند



که معیشت، مهم‌ترین مسئله کارگران، شاغلان، بازنشستگان و عموم مردم است. محبوب با اشاره به وضعیت بازنشستگان تصریح کرد: در حال حاضر بازنشستگان شرایطی قرار دارند که تصمیمات مربوط به افزایش حقوق آن‌ها هنوز به هیأت‌مدیره، هیأت انما و در نهایت هیأت وزیران ارائه نشده است. به گفته وی، اینکه بخشنامه مربوط به این موضوع هنوز صادر نشده و این روند چند ماه به طول انجامیده، هیچ توجیهی ندارد.

وی ادامه داد: صندوق تأمین اجتماعی از محل حق بیمه‌ها تأمین می‌شود؛ بنابراین حقوق کارگران باید به‌صورت ماهانه و در موعد مقرر پرداخت شود و هیچ‌کس نباید در این روند خللی ایجاد کند.

کارفرمایان بان کارگران را نترسند

او همچنین افزود: تعدیل نیروی کار به بهانه شرایط جنگی قابل قبول نیست، مقاومت در شرایط جنگ تنها وظیفه کارگران و اقشار ضعیف نیست، بلکه کارفرمایان نیز باید در این شرایط ایستادگی کنند و نباید معیشت و نان کارگران را تحت تأثیر قرار دهند.

محبوب با تأکید بر رویکرد خانه کارگر گفت: این تشکل برای سکوت ایجاد نشده است. ما واحدهایی را که بدون دلیل اقدام به اخراج نیرو می‌کنند، شناسایی کرده و اعتراضات شدیدی را علیه آن‌ها سازماندهی خواهیم کرد.

وی در پایان سخنان خود اظهار کرد: تشکل یابی در میان کارگران یک ضرورت انکارناپذیر است و هم‌افزایی میان تشکل‌ها می‌تواند قدرت قابل توجهی ایجاد کند. او افزود: ما تأکید داریم که گزارش‌ها باید از طریق ادارات کار به دست ما برسد.

به گفته وی، برخی در دولت به‌طور مداوم مصوباتی در حمایت از کارفرمایان صادر کرده‌اند و همین مسئله، در کنار ضعف تشکل‌یابی کارگران، موجب شده امنیت شغلی آن‌ها کاهش یابد و به‌راحتی

اخراج شوند. محبوب خاطر نشان کرد: اگر کارگران از تشکل‌یابی مناسبی برخوردار بودند، با چنین موجی از تعدیل و اخراج مواجه نمی‌شدند. وی در پایان تأکید کرد: کارگران و بازنشستگان، با وجود آگاهی از احتمال سوءاستفاده از اعتراضاتشان، باید مطالبه‌گری و پیگیری حقوق خود را ادامه دهند و در این مسیر سکوت نکنند.

ضربه شدید جنگ به ۱۳۰ هزار شغل همچنین دبیر کل خانه کارگر در نشست خبری روز ۱۲ اردیبهشت هم که به مناسبت گرامیداشت هفته کارگر برگزار شده بود با اشاره به آثار جنگ اخیر بر بازار کار گفت: در جریان این رخدادها حدود ۱۳۰ هزار فرصت شغلی مستقیم از بین رفته است و تبعات بیکاری ناشی از آن می‌تواند در ادامه بسیار گسترده‌تر باشد.

او تأکید کرد که بر اساس گزارش‌های موجود، بیش از ۶۰۰ هزار نفر برای دریافت بیمه بیکاری مراجعه کرده‌اند، اما این رقم به معنای بیکاری قطعی همه افراد نیست و بخشی از آن‌ها در ماه‌های بعد به چرخه اشتغال بازگشته یا به مشاغل غیررسمی منتقل شده‌اند.

وی با بیان اینکه برای روشن شدن ابعاد واقعی این وضعیت نیاز به بررسی‌های میدانی دقیق وجود دارد، افزود: هنوز نمی‌توان تصویر نهایی و قطعی از میزان بیکاری ناشی از جنگ ارائه داد و باید آثار اقتصادی آن در ادامه نیز رصد شود. دبیر کل خانه کارگر همچنین از اقدامات حمایتی دولت و وزارت کار خبر داد و گفت: در حال حاضر برنامه‌هایی برای حمایت از واحدهای تولیدی آسیب‌دیده در دست اجراء است و هدف این است که رابطه کارگر و کارفرما در شرایط بحران حفظ شود.

او با اشاره به پیشنهاد استفاده از سازوکارهایی مانند «کار توافقی» و بهره‌گیری از بیمه بیکاری اظهار کرد: این روش می‌تواند به جبران بخشی از کاهش دستمزد کارگران کمک کند و در عین حال مانع تعطیلی کامل بنگاه‌ها شود. وی همچنین بر ضرورت تقویت بن کارگری تأکید کرد و گفت این ابزار جهت بهبود معیشت کارگران احیا شود.

در بخش دیگری از این نشست، به بحران مسکن کارگری نیز اشاره شد و عنوان گردید که حدود ۳۰ درصد درآمد کارگران صرف هزینه مسکن می‌شود. در همین راستا، توسعه تعاونی‌های مسکن کارگری به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی مطرح شد. همچنین برنامه‌های هفته کارگر شامل موضوعاتی مانند ایمنی محیط کار، سلامت روان کارگران، ورزش کارگری و تقدیر از کارگران نمونه اعلام شد.

خبر

هشدار وزارت بهداشت درباره تبلیغات «ابردارو» در فضای مجازی



معاون درمان وزارت بهداشت در نامه‌ای به رئیس سازمان غذا و دارو خواستار برخورد قانونی و قاطع با عاملان تبلیغ و فروش محصولات درمانی با عناوین «ابردارو» یا «ابردارو» در فضای مجازی شد.

به گزارش خبرآنلاین، دکتر سید سجاد رضوی، معاون درمان وزارت بهداشت در نامه‌ای به دکتر پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو بر ضرورت برخورد قانونی و قاطع با عاملان تبلیغ و فروش محصولات موسوم به «ابردارو» یا «ابردارو» در فضای مجازی تأکید کرد.

وی با اشاره به گزارش‌های موجود از فعالیت برخی صفحات مجازی در شبکه‌های اجتماعی تصریح کرد: این صفحات با تبلیغات گسترده و ادعاهای درمانی غیرمستند، اقدام به عرضه محصولات تحت عنوان دارو و کمک‌درمان می‌کنند.

رضوی افزود: متخلفان از روش‌هایی نظیر ایجاد صفحات مجازی در پیام‌رسان‌های داخلی، برگزاری جشنواره‌های فروش و تخفیف در مناسبت‌های مختلف، ارائه مصاحبه‌های تبلیغاتی ساختگی و انتشار کلیپ‌های تبلیغاتی با ادعاهای درمانی برای فروش محصولات خود استفاده می‌کنند.

معاون درمان وزارت بهداشت همچنین خاطر نشان کرد: این محصولات در قالب‌های مختلفی از جمله پودر، عصاره، کپسول و پماد عرضه می‌شوند و در تبلیغات آن‌ها ادعاهای درمانی برای دها بیماری مطرح شده است که می‌تواند سلامت مردم را به خطر اندازد.

وی تأکید کرد: با توجه به اینکه این اقدامات می‌تواند از مصادیق آشکار جرایم پزشکی و دخالت افراد فاقد صلاحیت در امر درمان باشد، ضروری است اقدامات قانونی و قضایی لازم برای مسدودسازی صفحات، جلوگیری از ادامه تبلیغات و برخورد با عاملان آن انجام شود.

در همین زمینه دکتر حسین رضایی‌زاده، رئیس مرکز طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت نیز با اشاره به ضرورت صیانت از جایگاه علمی طب ایرانی گفت: طب ایرانی مبتنی بر منابع معتبر علمی و چارچوب‌های مشخص آموزشی و درمانی است و هرگونه سوءاستفاده از آن برای تبلیغ محصولات فاقد مجوز، نه تنها تخلف محسوب شده و سلامت مردم را تهدید می‌کند؛ بلکه می‌تواند به اعتماد عمومی آسیب بزند.

وی تصریح کرد: مرکز طب ایرانی و مکمل به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار این حوزه، همواره بر ساماندهی خدمات و فرآورده‌های مرتبط با طب ایرانی و رعایت ضوابط قانونی تأکید داشته و از برخورد قانونی با افراد و مجموعه‌هایی که با ادعاهای غیرمستند سلامت مردم را تهدید می‌کنند حمایت می‌کند.

بنابر اعلام وبدا، رضایی‌زاده افزود: آگاهی‌رسانی به مردم و نظارت جدی بر تبلیغات سلامت‌محور در فضای مجازی و وضع قوانین و مجازات بازدارنده با هماهنگی همه نهادهای ذی ربط، از الزامات مهم نظام سلامت است و لازم است دستگاه‌های مسئول با هماهنگی یکدیگر از گسترش چنین فعالیت‌هایی جلوگیری کنند.

شرایط ویژه اشتراک انبوه
روزنامه صبح امروز
 برای پیک موتوری‌ها، باربری‌ها و شرکت‌های خدماتی

با ما تماس بگیرید:
 ۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶
 ۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

برنامه ویژه برای تأمین پایدار دارو

وجود دارد، تلاش‌ها بر این امر متمرکز است که دارو و تجهیزات پزشکی به‌طور کامل به کشور وارد شود و در دوران جنگ تحمیلی نیز شاهد کمترین کمبود دارو در کشور بودیم و اکنون نیز با وجود برخی کمبودها، این موارد بیشتر ناشی از عوارض تحریم‌ها و جنگ است، اما در تلاش هستیم تا این مشکلات را به حداقل برسانیم.

پیرصالحی همچنین در مورد تأمین مواد اولیه دارو توضیح داد: عمده مواد اولیه داروها از کشورهای هند و چین

سازمان غذا و دارو در تلاش است تا با همکاری بیمه‌ها، داروهایی که دچار افزایش قیمت شده‌اند را پوشش دهد، در این راستا جلسات متعددی با سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی برگزار کرده‌ایم تا بودجه بیمه‌ها افزایش یابد و حمایت‌های لازم از مردم در برابر این افزایش قیمت‌ها صورت گیرد.

وی ادامه داد: خبر خوش این است که با وجود تمامی مشکلات و محدودیت‌هایی که در مسیرهای حمل‌ونقل، تأمین ارز و تحریم‌ها



رئیس سازمان غذا و دارو، از پیگیری‌های مستمر برای پوشش بیمه‌ای داروها با افزایش قیمت و تأمین مواد اولیه دارویی از کشورهای مختلف خبر داد.

مهدی پیرصالحی، در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص وضعیت تأمین داروها و افزایش قیمت‌ها، گفت: در پی افزایش قیمت داروها،

